

سیمای زن در نهج البلاغه

مریم رامشی^۱

چکیده

از نظر مکتب اسلام زنان در مقایسه با مردان دارای موقعیت یکسان و گاه برتر و عالی تر هستند. در نهج البلاغه که کامل ترین برنامه زندگی انسان ها بعد از قرآن است و حاوی سخنان گهر بار امام علی علیه السلام، بزرگترین مربی و مفسر قرآن می باشد، زنان با عباراتی چون ناقص العقل، ناقص الایمان و ... توصیف شده اند. باید گفت تناقض آراء شارحان نهج البلاغه مانع از فهم صحیح سخنان امام است زیرا شارحان نهج البلاغه گاه با زبان فلسفه، گاه با زبان تاریخ و گاه با زبان روانشناسی در صدد توجیه عبارات نهج البلاغه برآمده اند و با هر کلام، زن مسلمان را در این میان متحیرتر کرده اند. این مقاله با عنوان سیمای زن در نهج البلاغه بر آن است تا با عرضه کردن سخنان امام علی علیه السلام بر کلام الهی و تفسیر و شرح به وسیله دیگر سخنان امام یعنی تفسیر نهج البلاغه با نهج البلاغه به تصویر واقعی چهره زن از دیدگاه آن امام همام که همسرش زهرای مرضیه و دخترش زینب کبری - که گوی سبقت را در زمینه های عالی انسانی از تمام مردان تاریخ به استثنای رسول خدا و ائمه معصومین ربوده است - بپردازد و نظر امام علی را که بارها حضرت زهرا را به عنوان یک زن تا سرحد پرستش مدح کرده است در مورد زنان جويا شویم. البته باید گفت که سخن کلی نهج البلاغه در زمینه مقام زن همان سخن قرآن است. این پژوهش به روش کتابخانه ای و به روش تطبیقی تدوین شده است.

کلید واژه ها

زن، نهج البلاغه، عایشه، سند

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه کریمه اهل بیت (سلام الله علیها).

با توجه به مخدوش شدن سیمای زن در جامعه ی امروزی و شبهات زیاد مطرح شده در این زمینه بر آن شدیم تا با استفاده از آیات کلام الله مجید و نهج البلاغه که روشنگر حقایق الهی است نسبت به شفاف سازی ارزش و جایگاه زن (مخصوصا در مذهب شیعه) بررسی ای انجام دهیم . با توجه به اینکه قرآن و کلام امام علی (ع) راهگشای هر مشکل و شبهه ای است و زندگی آن حضرت و خانواده اش آینه ی تمام نمای دستورات الهی است ، مراجعه به سخنان آن حضرت جهت تبیین جایگاه زن لازم و ضروری می باشد . نظر به اینکه عده ای فرصت طلب از سخنان امام علی (ع) سوء برداشت کرده و آن را طور دیگری تفسیر کرده اند شفاف سازی این سخنان جهت درک منظور درست آن حضرت منطقی به نظر می رسد .

دکتر محمد حسین سرداگی و همکاران در مقاله ای که منتشر کردند با استناد به سخنان امام علی و آیات قرآن نسبت به تبیین مقام و جایگاه زنان در جامعه بر آمدند .

دکتر عزت السادات میرخانی در زمینه شبهات مطرح شده نسبت به جایگاه زن در کلام امام علی و آیات قرآن پاسخ هایی بر اساس کتب معتبر شیعه ارائه داده اند .

از پژوهش های دیگری که در این زمینه انجام شده می توان به مقاله ی دکتر مجید مرادی اشاره کرد . ایشان با استفاده از روایات ، به همراه استدلال محکم جایگاه زن در نهج البلاغه و آیات قرآن را روشن کرده است . از جمله کتبی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده می توان به کتاب مسئله حجاب از شهید مطهری اشاره کرد که در بخشی از آن ، نویسنده به جایگاه و منزلت زن اشاره ای داشته است .

حضرت علی (ع) به عنوان شخصیت بزرگ اسلامی برای زن و نهاد خانواده جایگاه بلندی را ترسیم نموده است . از کلمات گهر بار و زندگی مشترک حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س) می توان عمق منزلت زن را در اندیشه والای ایشان دریافت . قرآن ناطق ، حضرت علی (ع) در نگرشی جامع نسبت به مسائل زنان در فرازهای مختلف از خطبه ها ، نامه ها و حکمت ها به صورت تحلیلی تاثیر قوانین دینی در امور زنان را بیان کرده اند تا هیچ نقطه ابهامی در برنامه ریزی مسائل زنان باقی نماند.

در مجموعه پربار نهج البلاغه مباحث زنان در ۵۳ مورد در ۲۵ خطبه ، یک نامه و ۱۳ حکمت ذکر شده است . نهج البلاغه برگردانی از قرآن است یعنی محتوا همان محتوای قرآن است که امیرالمومنین علی (ع) آن را در قالبی نوین و دیگر ریخته است. نهج البلاغه چیزی جز آنچه در قرآن آمده ارائه نکرده است فقط اینکه قرآن به صورت کلی برای تمام عصرها و نسل ها سخن گفته است اما نهج البلاغه این مسائل کلی را در رابطه با یک ملت مطرح کرده و نشان داده که مسائل کلی قرآن را چگونه می شود درباره یک ملت به کار برد و آن را با زندگی یک جامعه تطبیق داد.

امام در بررسی های خود در زمینه مسائل اسلامی سعی بر آن دارد که این ضوابط کلی اسلامی قرآنی را در مورد امتی که با آن درگیر است تطبیق دهد. خواه ناخواه در این تطبیق دادن ابعاد نارسایی ها و کمبودهای آن جامعه به چشم می خورد یعنی آنچه که در جامعه مانع از انطباق اصول کلی اسلام است مورد توجه امام

قرار می‌گیرد. علل و عواملی که مانع از تطبیق و اجرای احکام کلی الهی می‌شود مورد نظر است و به همین جهت می‌بینیم که نهج البلاغه بیشتر به انتقاد می‌پردازد.

جایگاه زن در قرآن

در بسیاری از آیات قرآن کریم بر برخورداری زن از جایگاه انسانی شایسته در عرصه خانواده و جامعه انسانی تاکید شده است. بر خلاف آنچه که در برخی کتاب‌های مذهبی آمده است زن عنصر گناه نیست و خروج آدم از بهشت به وسوسه همسرش حوا نبوده است.

قرآن به صراحت آدم را وسوسه شده شیطان می‌داند:

«فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ»

«پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم؟»^۲

قرآن سرشت و نفس انسانی را واحد و زن و مرد را دارای سرشت و نفس یگانه می‌داند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحد آفرید و جفت شما را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا کنید.»^۳

قرآن عمل صالح زن و مرد را یکسان و سزاوار پاداش می‌داند:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»

«و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند چه زن در حالی که مومن باشند آنان داخل بهشت می‌شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند.»^۴

زن در پذیرش ارزش‌های معنوی و پاداش الهی با مرد برابر است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

^۲ طه/۲۰

^۳ نساء/۱

^۴ نساء/۱۲۴

«مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان عبادت پیشه، مردان و زنان راستگو، مردان و زنان شکيبا، مردان و زنان پاکدامن، مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است .»^۵

در برخی آیات قرآن زن در نقش مادر مورد احترام و تکریم ویژه قرار گرفته است :

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا...»

«انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد...»^۶

آیات فوق تصویری کلی از سیمای زن در جهان بینی اسلام ارائه می دهد. اکنون به سراغ نهج البلاغه می رویم که پس از قرآن دومین کتاب مذهبی شیعیان است و محتوای آن گزیده هایی از سخنان امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام است.

جایگاه زن در نهج البلاغه

۱. امام در ضمن خطبه هایی که در مسیر حرکت به سوی اصحاب جمل ایراد کرد می فرماید :

«إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّهَا بَطُونُهَا، وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا، وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَهُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ»^۷

«به راستی که همه کوشش چهارپایان شکمشان است و همه کوشش درندگان تجاوز و تعدی به غیر خودشان و همه کوشش زنان چیزهایی است که زندگی دنیا را زینت می بخشد و کوشش دیگر آنان ایجاد فساد در دنیاست . همانا مردمان مومن در برابر خدا خاضع و فروتن، پرهیزگار و مهربان و با ایمان بوده و از خدا بیمناک هستند.»

امام در این خطبه به بیان نیروهایی که بر نفس بشری غلبه دارد می پردازد . این نیروها نیروی بهیمیت و نیروی سبعیت است. امام با ذکر دو نوع از حیوانات که بر هر کدام یکی از این نیروها غلبه دارد مثالی می زند تا این دو مفهوم به ذهن ها نزدیک تر شود. سپس از انسان یاد می کند که این دو غریزه بر رفتار او چیره شده است و او را از راه حق منحرف و از دایره مومنان خارج کرده است. غریزه ای که بر چهارپایان مستولی است غریزه اشباع گرسنگی است. این غریزه در میان انسان ها نماد مال دوستی است و غریزه حاکم بر درندگان غریزه تجاوز و دشمنی و نمایش قدرت است و این غریزه در نهاد انسان در شکل قدرت دوستی با استفاده از هرگونه وسایل مشروع و نامشروع است.

^۵ احزاب/۳۵

^۶ احقاف/۱۵

^۷ خطبه ۱۵۱ ص ۲۷۹

این انسانی که غریزه مال دوستی و قدرت پرستی و مقام طلبی بر او غلبه یافته و او را وادار به پیمودن همه راه‌هایش کرده است، گاه در قالب یک زن نمود می‌یابد. از این رو امام علیه السلام نام زنان (نساء) را به قصد اشاره به ام‌المومنین عایشه به میان آورده است.

۲. امام پس از جنگ جمل در بصره در ضمن خطبه‌ای چنین می‌گوید :

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ. فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَأَمَّا نَقْصَانُ عَقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ أَمْرَاتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ، وَأَمَّا نَقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ. فَاتَّقُوا شَرَّارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ، وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ.»

«ای گروه مردمان همانا زنان ایمانشان ناقص و حظ و بهره‌شان هم ناقص، عقلشان نیز ناقص است. اما ناقص بودن ایمانشان به این است که در روزهایی که در عادت زنانه هستند نماز و روزه از آنها ساقط است، اما نقصان حظ و بهره‌شان از این روی است که ارثی که می‌برند نصف ارثی است که مردان می‌برند اما نقص عقلشان به این است که شهادت دو زن به منزله شهادت یک مرد است. پس از زنان بد بپرهیزید و از خوبانشان نیز بر حذر باشید در انجام کاری نیک از آنها فرمان نبرید تا در فرمان بردن شما از ایشان در کاری زشت طمع نورزند.»

۳. در در بخشی از وصیت امام به فرزندش امام حسن (ع) یا فرزند دیگرش محمد بن حنفیه - بنا به تفاوت روایات - آمده است :

«وَإِيَّاكَ وَ مُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزَمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ وَ اكْفَفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شَدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُؤْتَقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تُمْلِكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعْدُ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمَعِهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لغيرِهَا.»

«بر حذر باش که با زنان به مشورت پردازی که همانا رای اینان ناقص گونه و اراده و عزمشان سست است. با در پرده نگه داشتن زنان چشمانشان را از دیگر نامحرمان ببندید که به راستی زنان را سخت در پرده داشتن بیشتر موجب باقی ماندن ایشان به حال خود می‌باشد. همچنین بیرون رفتن زنان از منزل بدتر و نامناسب‌تر از این است که کسی را که نمی‌توان به او اعتماد کرد وارد محل سکونت ایشان نمایید، اگر بتوانی کاری کنی که زنان جز تو کس دیگری را شناسند این کار را انجام بده و به زن اجازه و اختیار مده از آنچه اختصاص به خود او دارد به کار دیگری پردازد که همانا زن به منزله گلی خوشبوست و نه کارگزار و پیشکار. در گرمی

۳. سهم الارض فرزندان برادر و خواهر مادری میان زن و مرد ، مساوی تقسیم می‌شود. در برخی موارد هم شهادت زن با مرد مساویست و آن عبارت است از موضوعاتی که با شهادت و گواهی و اعتراف خود زن‌ها دانسته می‌شود ؛ مانند شهادت زن به اینکه در روزهای قاعدگیست یا اینکه بچه‌ای در شکم دارد و مربوط به کدام مرد است.^{۲۷}

بررسی نقصان های عقل و حظ و ایمان با توجه به منزلت عایشه

عایشه منزلتی بزرگ نزد عامه مردم داشت زیرا همسر رسول خدا و ام المومنین دختر خلیفه اول ابوبکر بود . این منزلت اجتماعی منشأ تأثیر بزرگی بود. امیرالمومنین (ع) با قرار دادن عایشه در صف سایر زنان و تصریح به اینکه او نسبت به دیگر زنان تمایزی ندارد که او را شایسته رهبری مردم کند ، به شیوه‌ای که در پیش گرفته است و به هیچ نصیحتی گوش فرا نمی‌دهد و حکم خدا را که به زنان پیامبر دستور داده بود در خانه بنشینند تن در نداد و از عاقبت فتنه نترسید، می‌خواست از منزلت او بکاهد. امام می‌خواست با پرهیز از طعنه مستقیم به عایشه به عامه مردم بصیرت ببخشد . برای این کار از این روش که مبتنی بر ذکر احکام شرعی خاص زنان است استفاده کرد . البته این احکام خاص مقتضی نقصان در شایستگی و ویژگی‌های انسانی که مساوی مرد قرار می‌دهد نیست. امام علی (ع) گرفتار دشمنی زنی بلند پرواز و حسود و مقام طلب بود . زنی که از نام و موقعیت اجتماعی خویش در جهت مبارزه با امام بهره برد و جنگی خانگی را رهبری کرد که زیان آن به میدان نبرد محدود نشد و سبب تفرقه مسلمانان پس از آن شد. این زن همان کسی است که در مقام همسری پیامبر خدا او را بارها با رفتارها و گفتارهای خشن و نامودبانه خویش آزرده است.^{۲۸}

مورخان نوشته‌اند که پیامبر خدا (ص) پس از مرگ همسر نخستینش خدیجه ، بارها از همدمی و وفاداری و نجابت او به نیکی یاد می‌کرد . حتی به احترام او دوستانش را بسیار ارج می‌نهاد و هدایایی برایشان می‌فرستاد. بخاری از عایشه سخنی را نقل می‌کند که نشان می‌دهد وی بنا به اعتراف خویش به شدت بر خدیجه رشک می‌برده زیرا یاد او را فراوان از پیامبر می‌شنیده است و روزی به زشتی از خدیجه نام می‌برد و با کمال جسارت به ایشان می‌گوید : «خدا بهتر از او را نصیب تو کرده است» . پاسخ پیامبر چنین بود :

سوگند به خدا که او بهتر از خدیجه را به من نداده است . او زمانی به من گروید که مردم کافر بودند . زمانی تصدیقم کرد که مردم تکذیب کردند و مال خود را به من بخشید زمانی که مردم مرا محروم کرده بودند و خدا از او به من فرزند بخشید در حالی که مرا از داشتن فرزند از زنان دیگر محروم کرد.^{۲۹}

عایشه همانگونه که ابراز محبت پیامبر به همسر فقیدش خدیجه را بر نمی‌تابید نسبت به جایگاه بلند اهل بیت (ع) در نزد پیامبر (ص) و مسلمانان نیز رشک می‌برد و در صدد محو آثار فضیلت اهل بیت (ع) در سنت و

^{۲۷} حسین بستان ، اسلام و جامعه شناسی خانواده ، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳

^{۲۸} محمد حکیم پور ، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، نشر نغمه نواندیش، تهران، ۱۳۸۲

^{۲۹} ابوبکر احمد بن مهدی الخطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ناشر دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۱۴

عرف دینی جامعه اسلامی بود. ابن ابی الحدید در موضوع دشمنی‌های عایشه نسبت به اهل بیت (ع) از قول یکی از علمای اهل سنت به نام شیخ ابو یعقوب یوسف بن اسماعیل لمعانی چنین نقل می‌کند :

نقطه آغاز کینه عایشه ارتباط وی با فاطمه بود . تمایل و محبت پیامبر نسبت به فاطمه روز به روز زیادت‌تر شد و او بیش از آنچه که مردم گمان می‌بردند و بیش از اندازه احترام پدران به دختران، دخترش را بزرگ می‌داشت .

پس از این ، توجه و صمیمیت پیامبر (ص) با علی (ع) رو به فزونی گرفت که این هم حسد ابوبکر و پسر عمویش طلحه را برانگیخت و سخنانشان را می‌شنید .

فاطمه فرزندان فراوانی از دختر و پسر به دنیا آورد اما عایشه هیچگاه مادر نشد رسول خدا پسران فاطمه را چونان پسران خود می‌دانست .

پس از مدتی پیامبر در ورودی پدرش ابوبکر را که به سوی مسجد گشوده می‌شد بست و در ورودی دامادش را باز گذاشت . سپس پدرش ابوبکر را به جهت ابلاغ برائت از کفار فرستاد ولی او را عزل کرد و دامادش را برگزید.

زمانی که فاطمه رحلت کرد همه زنان پیامبر (ص) برای تسلیت گویی نزد بنی هاشم رفتند جز عایشه که نفرت و خود را به مریضی زد و سخنی از او به علی (ع) رسانده شد که نشانه شادمانی اش بود.

پس از قتل عثمان بسیار امیدوار بود که خلافت به طلحه برسد و آنگاه خود او عمارتی را که قبلاً داشته باز یابد اما این مردم به علی (ع) روی آوردند زمانی که این خبر به او رسید به خونخواهی عثمان پرداخت و جنگ جمل و جریان‌های بعدی زاده شد.^{۳۰}

اکنون می‌توان راز نکوهش زنان در کلام علی (ع) را بهتر درک کرد . عایشه در نقطه مرکزی و محوری مخالفان امام قرار داشت . امام برای پیشگیری از وقوع جنگ به او نصیحت می‌کند که حرمت خود را نگه دارد و به دستور خدا که زنان پیامبر را به نشستن در خانه و بیرون رفتن بی‌جهت از خانه امر کرد عمل کند و به خانه برگردد. علی (ع) او را از پیامدهای ناگوار جنگ بیم می‌دهد و او را به توبه فرا می‌خواند اما او نمی‌پذیرد و یاغیانه سر به شورش برمی‌دارد. اگرچه گفته می‌شود مثلث طلحه ، زبیر و عایشه سپاه جمل را رهبری کردند اما حقیقتاً این سپاه یک فرمانده داشت و او کسی جز عایشه نبود. طبیعی بود که امام علی (ع) جنگ روانی علیه بصریان و سپاه جمل ترتیب دهد تا بتواند از گسترش دامنه فتنه پیشگیری کند .^{۳۱}

اما نگاه امام به شخصیت زن از ورای حادثه جمل بود چون عایشه جنگی خونین را با هدف مخالفت با حکومت و خلافت علی علیه السلام سبب شد . لذا امیر مومنان علی (ع) کل جامعه زنان را هدف قرار داد . تخلف و نافرمانی عایشه از نافرمانی بیعت شکنی طلحه و زبیر شکننده‌تر نبود بلکه این دو نفر بودند که او را به خونخواهی عثمان تحریک کرده و به میدان جنگ آوردند . همچنین موضع‌گیری عایشه در برابر علی علیه السلام سنگین‌تر از مخالفت‌ها و کارشکنی‌های معاویه و عمروعاص و خوارج نبود . بنابراین اگر گفته شود که

^{۳۰}عباس محمدی اصل، جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی روشنگران و مطالعات

زنان، ص ۷۸-۸۰، تهران، ۱۳۸۱

^{۳۱}ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه دارالاحیاء التراث العربی، ص ۶۷، بیروت، ۱۳۷۸

این سخن علی (ع) به جهت حضور عایشه در صحنه جنگ بوده است پس باید به همان میزان در مذمت مردان نیز سخن می‌گفت. همیشه انسان احساسات تند و کینه‌جویانه‌اش را نسبت به کسانی ابراز می‌کند که طرف مقابل را در جایگاهی برتر و موقعیتی پیروزمندانه‌تر می‌بیند نه اینکه این احساسات را به کسی نشان دهد که در حالتی از ضعف و شکست قرار دارد. منطق انسانی و اسلامی اقتضا دارد که خطای یک فرد را به امام سرایت ندهیم. آیا به شخصی مانند امیر مومنان که دروازه مدینه دانش پیامبر است می‌توانیم چنین نسبتی بدهیم؟ این خطبه را اگرچه امیرالمومنین علیه السلام درباره عایشه و شرکت او در جنگ جمل که حالتی سرزنش گونه دارد ایراد فرموده است ولی مخاطبش همه زنان و برای همیشه تاریخ ایراد شده که تفاوت‌های اساسی بین زنان و مردان را بیان می‌کند.^{۳۲}

بررسی سندی خطبه ۸۰ همراه با شبهه پراکنی اهل سنت

اهل سنت نسبت به کلام علی که آن را توهین به شخصیت زن می‌دانند شبهه پراکنی کرده اند. برخی در سند و انتصاب خطبه ۸۰ یا روایت نقصان عقل زنان به امام علی تردید جدی به خرج داده و گفته‌اند از اینکه مضمون این روایت از منظر بسیاری از آیات و روایات دیگر نیز با عقل مخالفت دارد صدور آن از معصوم قابل مناقشه بلکه مردود است. اما به نظر می‌رسد این قضاوت عجولانه است زیرا:

این خطبه و کلمات امام علی در زمینه نقصان عقل و ایمان زنان در بیانات رسول خدا سابقه داشته است و با بیانات امامان دیگر تایید شده است. از این رو باید در فهم معنا و مفهوم آنها دقت کرد و بررسی نمود که آیا معنای صحیحی که با قرآن و اصول و مبانی قرآنی و روایی منافات نداشته باشد برای آن می‌توان یافت یا خیر؟ در خطبه فوق نیز امیر مومنان منظورش را همانند رسول خدا توضیح داده است. سوال ما از وهابیت و شبهه افکنان این است که: «شما روایت حضرت رسول را که قبولش دارید نادیده می‌گیرید. آنگاه در صدد شبهه پراکنی هستید و کلام آن حضرت را بریده در سایت‌ها و شبکه‌ها مطرح می‌کنید». پس روشن می‌شود رسول خدا و امیر مومنان به شخصیت زنان توهین نکرده‌اند بلکه تفاوت‌هایی که ریشه قرآنی دارد را بیان کرده‌اند.

اما در منابع اهل سنت روایاتی یافت می‌شود که حقیقتاً به شخصیت زنان توهین محسوب می‌شود و ما از گفتن و نقل آنها شرم داریم ولی هدف از ذکر آن تنها پاسخ شبهاتی است که این سخن امیر مومنان را توهین به زنان امت اسلام تلقی کرده است. اما این روایات است که وهین است نه آنچه را که آنها بدان استدلال می‌کنند. این روایت از طریق عایشه ابوذر غفاری عبدالله بن مغفر ابن عباس و روایات دیگر نقل شده است:

«زن کافر، سگ سیاه و الاغ نماز را باطل می‌کنند»

اهل سنت روایت دارند که رسول خدا فرموده است:

«اگر از جلوی نماز الاغ، کافر، سگ و زن عبور کند نماز باطل می‌شود»

این روایت از چند طریق از رسول خدا نقل شده است. ابوبکر هیشمی این روایت را تصریح کرده که رجال سندش موثق هستند.

یا مثلاً از طریق ابن عباس:

^{۳۲} نجوا صالح الجواد، المرأة فی نهج البلاغه، لندن معهد الدراسات العربیة والاسلامیة، ص ۱۵۴، ۱۹۹۹

«سگ ، الاغ ، خوک ، یهودی مجوسی و زن نماز را باطل می‌کنند»

حال سوال ما از اهل سنت این است که : «اگر شما بیان تفاوت‌هایی را که قرآن هم تایید کرده توهین به قشر زنان می‌دانید از روایت فوق که در صحیح‌ترین منابع شما آمده و زنان را مساوی با حیوانات نجس العین (همانند سگ سیاه یا الاغ) یا یهود مجوسی می‌داند چه جوابی دارید؟ آیا زن آنقدر شخصیتش پایین است که در ردیف این حیوانات و دشمنان اسلام همانند یهودی و مجوسی نماز را باطل کند؟»^{۳۳}

نتیجه گیری

از منابعی که از دیرباز در مباحث انتقادی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی مورد استفاده قرار گرفته است کلام امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌باشد.

دسته‌ای با تمسک به ظاهر کلام حضرت کمال‌پذیری زن و وجود ارزش‌های بالای انسانی او را انکار کرده و او را موجودی دون و بی پایه انگاشته‌اند و دسته دیگر با تاکید بر منزلت و مقام کرامت والای زن کلام حضرت را منافی با منزلت و جایگاه حقیقی وی پنداشتند.

اما یک بررسی اجمالی در سیره حضرت ثابت می‌کند که آن حضرت علی رغم سنت جاهلیت به شخصیت و مقام زن احترام بسیار می‌گذاشته است .

تبیین خطب باید با تکیه به قرآن و سیره عملی حضرت و ادله مذکور در متن روایت انجام گیرد . نتیجه ی بررسی در آیات قرآن و نهج البلاغه نشان می دهد که زن از جایگاه و منزلت بالایی در جامعه و خانواده برخوردار است . این نکته را از کلام و رفتار امام علی (ع) نیز می توان دریافت نمود . اما در جایی که امام علی (ع) در باره ی زنان خطبه ایراد کرده اند برای آنان یکسری صفاتی به کار برده اند که در آن زمان تمام آنها یکجا در عایشه فراهم بوده و حضرت برای رعایت احترام ، به شخص ایشان اشاره ی مستقیم نفرموده اند اما در حقیقت هدف امام علی (ع) ، تنها عایشه بوده است . بنابراین می توان گفت که تعمیم این صفات نکوهیده به همه ی زنان درست نمی باشد .

^{۳۳} نورالدین الهیثمی ، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۶۰

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه دارالاحیاء التراث العربی، ص ۶۷، بیروت، ۱۳۷۸
۲. ابوبکر احمد بن مهدی الخطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ناشر دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۱۴
۳. حسین بستان، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳
۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ قمری، جلد ۲۰، ص ۱۶۸
۵. عباسعلی شاملی، منزلت زن در اندیشه ی والای امیرالمومنین در فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۱، ۱۳۸۰ ش
۶. عباس محمدی اصل، جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی روشنگران و مطالعات زنان، ص ۷۸-۸۰، تهران، ۱۳۸۱
۷. محمد باقر کجوری، خصائص فاطمیه، قم، شریف رضی، ۱۳۸۰ ش، صفحه ۱۷۵
۸. محمد حسین فضل الله، دنیا المرأة، ص ۴۳
۹. محمد حکیم پور، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، نشر نغمه نواندیش، تهران، ۱۳۸۲
۱۰. محمدرضا زیبایی نژاد، محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام سال چاپ ۱۳۹۱
۱۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، سال چاپ ۱۳۷۸
۱۲. مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۱۳۴
۱۳. نجوا صالح الجواد، المرأة فی نهج البلاغه، لندن معهد الدراسات العربیة والاسلامیة، ص ۱۵۴، ۱۹۹۹
۱۴. نشریه پژوهش های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، سال سوم، شماره ۲، پاییز زمستان ۹۸
۱۵. نورالدین الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۶۰
۱۶. هاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۲ - ۲۶۳